

بازخوانی نظریات شهید صدر پیرامون ربای بانکی

بر اساس نظریه درآمد قانونی

محمدتقی تولمی^{۱*}، محمدجواد حیدری خراسانی^۲

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران

۲. استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه قم، قم، ایران

(تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۱۲؛ تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۰۸/۲۱)

چکیده

نظریه "درآمد قانونی" توسط شهید صدر در کتاب "اقتصادنا" ارائه شده است. مطابق این نظریه منشاء حصول درآمد قانونی و شرعی، "کار" است، بازخوانی نظرات ایشان به ویژه در کتاب "البنک اللاربوی" نشان می‌دهد که وی بر اساس این نظریه به تحلیل مسائل ربای بانکی پرداخته است. این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی نشان می‌دهد ایشان مبتنی بر این نظریه، به ارائه الگوی بانک بدون ربا، اقدام ورزیده است. مطابق این نظریه هر درآمد حاصل در بانک باید در قبال انجام کاری باشد و تغییرات صوری در عقود و معاملات بانکی، هر چند ممکن است درآمد حاصله را از ربوی بودن خارج کند ولی چون مستند به کار نیست، غیر قانونی و غیر شرعی است و در نتیجه جانشین کردن عقد قرض در بانک با بیع، مضاربه، جعاله و امثال آن، مادامی که به انجام دادن کار ارزشمند اقتصادی نینجامد مجوز ایجاد درآمد و دریافت یا پرداخت سود نخواهد شد و درآمد و سود حاصل به عنوان درآمد غیر مستند به کار، غیر قانونی و غیر شرعی خواهد بود.

واژگان کلیدی

بانک، ربا، صدر، نظریه درآمد قانونی.

مقدمه

شهید صدر در کتاب ارزشمند «اقتصادنا»، مکتب اقتصادی اسلام را در برابر سایر مکاتب اقتصادی بررسی کرده است. همچنین وی با ارائه الگوی پیشنهادی بانک بدون ربا، مباحث ربای در بانک را به‌طور مستقل، مطرح و راهکارهای حذف ربا از بانک را ارائه داده‌اند. ایشان به‌طور کامل فعالیت‌های بانکی زمان خود را در کتاب «البنک اللاربوی» تحلیل و بررسی دقیق کردند و فعالیت‌های ربوی بانک‌ها را مشخص و برای آنها راهکارهای جدیدی پیشنهاد داده است.

مباحث مطرح‌شده توسط ایشان در خصوص ربای بانکی را، می‌توان به سه بخش تقسیم کرد. بخش اول دلایل طرفداران ربا و نقد آنها که ربای بانکی و غیربانکی را شامل می‌شود. بخش دوم بحث‌هایی هستند در خصوص شیوه‌های تبدیل ربای بانکی به سود حلال که در کتاب البنک اللاربوی به‌صورت ملحقات فقهی آمده و توسط ایشان بررسی و نقد شده است. بخش سوم از اندیشه‌های ایشان در موضوع ربای بانکی را، می‌توان در مجموع بحث‌های ایشان در تبیین و ارائه مدل بانکداری بدون ربا جست‌وجو کرد.

مجموع مباحث ایشان در زمینه بانک بدون ربا مقدمه‌ای است برای تحقق نظام اقتصادی اسلام؛ زیرا یکی از مهم‌ترین ارکان اقتصادی در کشورها بانک‌ها هستند که متأسفانه در کشورهای مسلمان به ربا آلوده شده‌اند. نکته شایان توجهی که از نگاه بسیاری از محققان پوشیده مانده و در بررسی اندیشه‌های آن شهید در مسئله ربای بانکی، از آن غفلت کرده‌اند؛ آن است که ایشان با پذیرش نظریه‌ای در خصوص درآمد قانونی و شرعی و تکیه بر آن، به بررسی و تحلیل بسیاری از مسائل مختلف در زمینه احکام اقتصادی اسلام به‌ویژه ربا پرداخته است. این نظریه که از آن به‌عنوان نظریه «درآمد قانونی» یاد می‌کنیم، در واقع ریشه و اساس بسیاری از نظریات ایشان در مسئله ربای بانکی محسوب می‌شود. ایشان در مباحث تبیین فلسفه حرمت ربا در کتاب اقتصادنا به این نظریه تصریح می‌کنند، ولی در نقد برخی راهکارهای عملی برای حذف ربا از سیستم بانکی و همچنین در الگوی پیشنهادی خود در بانک بدون ربا در کتاب البنک اللاربوی، بدون اشاره به نظریه، به ارائه

آرای خود پرداخته است. در این مقاله با بازخوانی اندیشه‌های ایشان نشان خواهیم داد که الگوی عملی بانک بدون ربا، بر اساس این نظریه پی‌ریزی شده است.

نظریه درآمد قانونی

نظریه درآمد قانونی نظریه‌ای است که شهید صدر در راستای تبیین رابطه میان درآمد و کار بیان کردند و حرمت ربا را به جهت سلبی این قاعده مستند می‌داند. برای فهم بهتر این نظریه لازم است که با برخی اندیشه‌های ایشان در زمینه انواع ثروت و نحوه توزیع آنها آشنا شویم. در ادامه به مباحث اساسی ایشان پیرامون این نظریه (که در کتاب اقتصادنا پراکنده است) به طور منسجم اشاره می‌کنیم.

از مسائل مهمی که شهید صدر در کشف و تبیین نظام و مکتب اقتصادی اسلام، به آن توجه کرده، مسئله ثروت و کار و رابطه این دو است. ایشان ثروت را بر دو قسم می‌دانند. ثروت اولیه یا ثروت تولیدکننده که شامل زمین، منابع اولیه (مواد طبیعی) و ابزار لازم برای تولید کالا است؛ و ثروت ثانویه یا ثروت تولیدشده که شامل تمام کالاها و درآمدهایی است که با به‌کارگیری ثروت اولیه به دست آمده‌اند (صدر، ۱۴۱۷: ۴۱۳). ایشان با بررسی نظریه توزیع ثروت پیش از تولید و نظریه توزیع ثروت پس از تولید در پی پاسخ به این سؤال برآمده است که اساساً تحقق مالکیت یا حقوق خصوصی نسبت به این ثروت‌ها، پیش و پس از تولید، با چه ملاکی صورت می‌پذیرد؟

وی در تحقیقات خود نشان می‌دهد که ملاک ایجاد مالکیت یا حقوق خصوصی، «کار» است، یعنی مالکیت یا حقوق خصوصی بر منابع اولیه در مرحله پیش از تولید، بر انجام دادن «کار» بر روی آنها مشروط است (صدر، ۱۴۱۷: ۵۰۲ و ۵۰۵). چنانکه منشأ حصول درآمد قانونی و شرعی برای شخص، پس از تولید محصول نیز، کار اوست (صدر، ۱۴۱۷: ۵۸۶). ایشان در تأیید این نظریه، به روایات و فتاوی‌ای استناد می‌کنند که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم.

از امام کاظم (ع) نقل شده است که: «زمین‌های فتح‌شده وقف محسوب می‌شوند و به کسانی واگذار می‌شود که در آبادی آنها بکوشند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۴۴). مطابق برخی

روایات هرگاه شخص خانه‌ای را به مبلغ معینی اجاره کند، نمی‌تواند آن را به مبلغ بیشتری اجاره دهد، مگر اینکه کار مفیدی در آن انجام داده باشد (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹: ۱۳۰) و نیز در روایات، شخص از اینکه انجام دادن عملی را در برابر مبلغی قبول کند و سپس بدون انجام دادن کاری، به مبلغ کمتری به دیگری واگذار کند و از این طریق سودی به‌دست آورد، منع شده است (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۹: ۱۳۳).

همچنین مطابق فتاوی فقها، احیاکننده زمین بایر، نسبت به آن حق اولویت به‌دست می‌آورد (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۹) و شخص، مالک آبی می‌شود که از چاه استخراج کرده است، ولی مالک سرچشمه چاه نمی‌شود (عاملی، ۱۴۱۰، ج ۷: ۱۸۶). شهید صدر این روایات و احکام را در راستای نظریه خود دانسته‌اند و نظریه را برگرفته از آنها معرفی می‌کند.

ایشان در توضیح نظریه، با بیان اینکه هر کاری سبب تحقق مالکیت خصوصی نمی‌شود، در ضمن بحث از توزیع ثروت پیش از تولید، با تقسیم کار به کار اقتصادی و کار غیراقتصادی، تنها کار اقتصادی را سبب مالکیت خصوصی می‌داند (صدر، ۱۴۱۷: ۵۱۰). ایشان دو گونه کار را اقتصادی می‌داند. نوع اول کاری که در جهت بهره‌برداری از منافع موجود در ثروت‌های طبیعی است و نوع دوم، کاری که در جهت ایجاد امکانات جدید بهره‌برداری باشد. در واقع فرصت‌های بهره‌برداری از ثروت دو نوع است؛ یا فرصت‌های موجودی است که شخص با کار خود از آن فرصت‌ها، به نفع خویش استفاده می‌کند، مانند جمع‌آوری هیزم از جنگل و حمل و نقل سنگ از صحرا که سبب مالکیت شخص بر هیزم و سنگ می‌شود یا فرصت‌های جدیدی است که شخص با کار خود ایجاد می‌کند و زمینه را برای بهره‌بری جدیدی از منابع موجود مهیا می‌کند، مانند احیای اراضی موات که شخص با آباد کردن زمین، موقعیت جدیدی در بهره‌مندی از زمین ایجاد خواهد کرد (صدر، ۱۴۱۷: ۵۲۷) و نیز می‌توان برای ایجاد فرصت‌های جدید، انتفاع به صید ماهیان دریا مثال زد که چون دارای درجه‌ای از مقاومت طبیعی برای بهره‌مندی هستند، لذا صید آنها فرصت جدید انتفاع را خلق می‌کند (صدر، ۱۴۱۷: ۵۲۱).

چنانکه بیان شد ایشان در بحث از توزیع ثروت پس از تولید نیز کار را منشأ درآمد معرفی می‌کند. از منظر شهید صدر، ریزش کار منشأ درآمد است: «الکسب يقوم على اساس العمل المنفق» و درآمدهای حاصل از غیرکار، قانونی و شرعی نیست (صدر، ۱۴۱۷: ۵۸۸).

در حقیقت این نظریه دارای دو جنبه ایجابی و سلبی است. از جنبه ایجابی، درآمد تنها در صورتی صحیح و قانونی است که بر اساس کار، به دست آمده باشد و از جنبه سلبی، هر درآمدی که از کار به دست نیامده باشد، غیرقانونی شناخته می‌شود. نکته مورد تأکید اینکه ایشان حرمت ربا را مرتبط با جهت سلبی قاعده فوق دانسته و آن را از مهم‌ترین نتایج آن می‌داند؛ زیرا در ربا صاحب سرمایه بدون استناد به هیچ کار اقتصادی از قرض‌گیرنده تقاضای بهره‌ای مازاد بر اصل سرمایه می‌کند، در نتیجه ربا از مصادیق درآمد ناشی از غیرکار بوده است و جایز نیست (صدر، ۱۴۱۷: ۵۷۵ و ۵۹۴).

ایشان هم چنانکه در نظریه توزیع پیش از تولید به تبیین نوع کاری پرداخته است که منشأ مالکیت بر ثروت‌های اولیه می‌شود، در نظریه توزیع پس از تولید نیز، به تبیین کاری پرداخته‌اند که منشأ درآمد قانونی است و آن را بر دو نوع می‌داند. نوع اول که آن را عمل مباشر یا مستقیم می‌نامند، اعمالی است که همزمان با فعالیت کارگر ایجاد شده و آغاز و پایان آن در فاصله زمانی معینی است. این نوع عمل همزمان با فعالیت عامل آن بهره‌برداری می‌شود و نفعش به کارفرما می‌رسد، مانند کارگر و اجیری که برای کار خاصی استخدام شده است که بعد از پایان کار، در قبال عمل خود از کارفرما درخواست اجرت می‌کند؛ نوع دوم کار، عمل مختزن یا کار ذخیره‌شده است که منفصل از صاحبش بوده و در گذشته ایجاد شده، ولی به صورت تجسم‌یافته در ابزاری تولیدی یا کالایی خاص ذخیره شده است و پس از آنکه در جریان تولید یا بهره‌بری قرار می‌گیرد، منافع آن به تدریج توسط استفاده‌کننده، بهره‌برداری و مستهلک می‌شود. جواز اجاره مسکن بر اساس جهت ایجابی قاعده و از نوع عمل ذخیره شده است. صاحب خانه می‌تواند خانه خود را اجاره دهد و مال‌الاجاره دریافت کند. زیرا خانه تجسم کاری خواهد بود که در گذشته انجام گرفته است و با انتفاع مسکن توسط مستأجر، به تدریج مستهلک می‌شود. از این‌رو صاحب خانه

می‌تواند در مقابل استهلاک خانه (که کار تجسم‌یافته است) از مستأجر مال‌الاجاره دریافت کند (صدر، ۱۴۱۷: ۵۹۰).

نظریه درآمد قانونی از جمله اساسی‌ترین اندیشه‌های اقتصادی شهید صدر بوده که بر سایر اندیشه‌های اقتصادی وی تأثیرگذار بوده است و از این‌رو در تحلیل مسائل اقتصادی و استنباط احکام آن، به‌ویژه در بخش مرتبط با مسائل ربا، به‌صراحت یا ضمنی به آن تمسک جسته‌اند. نمونه بارز این تأثیرگذاری را در کتاب البنك اللاربوی می‌توان مشاهده کرد که با وجود نام نبردن از این نظریه، در بسیاری از مباحث فقهی مطرح‌شده در این کتاب، تأثیر نظریه مذکور در استنباط احکام و اتخاذ موضع نمایان است. در ادامه به بیان مهم‌ترین نظریات شهید صدر بر اساس نظریه درآمد قانونی می‌پردازیم. این نظریات را می‌توان در ضمن سه عنوان نقد ادله موافقان ربا، نقد شیوه‌های تبدیل بهره بانکی به سود حلال و الگوی بانک بدون ربا تقسیم‌بندی کرد.

الف) نظریه درآمد قانونی و نقد ادله موافقان ربا

از مباحث مهم در مسئله ربا، ادله موافقان ربا بر لزوم و ضرورت ربا، مخصوصاً در اندیشه نظام سرمایه‌داری است. در این اندیشه از ربا به‌عنوان بهای مخاطره، بهای خودداری از انتفاع، اجرت سرمایه، تفاوت ارزش فعلی و آتی سرمایه یاد شده و بر ضرورت وجود ربا تحت این عناوین استدلال شده است. شهید صدر با بیان این ادله، به نقد و بررسی آنها پرداخت. تکیه و پایبندی بر نظریه درآمد قانونی در نقد این ادله، از جمله شاخص‌های فکری شهید صدر است.

ربا بهای مخاطره

از جمله اموری که طرفداران بهره برای اثبات ضرورت ربا به آن تمسک جسته‌اند، مخاطره‌ای است که صاحب سرمایه پذیرا می‌شود و پول را در اختیار دیگری قرار می‌دهد. این مخاطره ناشی از احتمال عدم بازپرداخت مبلغ قرض داده شده است. آنان عقیده دارند که شخص می‌تواند در قبال این مخاطره، بهره دریافت کند. در واقع ربا و بهره در مقابل ریسکی است که قرض‌دهنده می‌پذیرد (صدر، ۱۴۱۷: ۶۰۳).

اما از منظر اسلام، مخاطره، منشأ درآمد شناخته نشده است و مجوز نظری هیچ‌یک از انواع درآمدهای قانونی نیست (صدر، ۱۴۱۷: ۶۰۴). در واقع مطابق نظریه درآمد قانونی، خطرپذیری قرض‌دهنده نمی‌تواند منشأ ایجاد درآمد باشد، زیرا چنانکه گذشت، منشأ درآمد یا باید کار مباشر باشد یا کار مختزن و ذخیره‌شده، که مخاطره فاقد آنهاست و از این‌رو درآمدزا نیست. در واقع مطابق نظریه درآمد قانونی، چون مخاطره کار نیست، پس درآمدزا هم نخواهد بود.

البته باید پذیرفت که از لحاظ اخلاقی، غلبه بر ترس اهمیت بسیاری دارد، ولی این امر دلیل آن نیست که برای مخاطره، ارزش اقتصادی نیز قائل شویم؛ زیرا مخاطره نه جنبه کالا و سرمایه دارد که به دیگری عرضه و ثمن مطالبه شود و نه کاری است که روی ماده‌ای پیاده شود تا حق تملک بر آن ماده یا مطالبه اجرت در قبال آن کار مطرح شود، بلکه حالتی روانی است که شخص در آن، به کاری اقدام می‌کند که از عواقب آن ترس دارد.

آری اگر این کار مخاطره‌آمیز به تولید کالا یا خدمت مفیدی بینجامد، آنگاه این کالا و خدمت، منشأ ایجاد درآمد خواهد بود؛ نه اینکه مخاطره به خودی خود درآمدزا باشد. به هر حال این شخص خطرپذیر است که راه پرمخاطره را برگزیده است و با اراده آزاد، به قبول خسارت‌های احتمالی تن می‌دهد و تا وقتی که این اراده عینیت خارجی نیابد و به شکل کار مجسم در ماده پدیدار نشود، نمی‌توان برایش بهایی مادی قرار داد و آن را به‌عنوان بهای مخاطره مطالبه کرد (صدر، ۱۴۱۷: ۶۰۱).

گذشته از بهامند نبودن مخاطره، اساساً در قرض مخاطره‌ای متوجه قرض‌دهنده نیست. توضیح اینکه سرمایه قرض‌دهنده در هر صورت مضمون است و قرض‌گیرنده ضامن بازپرداخت آن است و خطری که در این اندیشه مجوز ربا دانسته می‌شود، متوجه قرض‌دهنده نخواهد بود. در حقیقت بهترین راه مقابله با خطر عدم بازپرداخت قرض، همان رهن و گرو بوده که اسلام قرار داده است، نه ربا و بهره‌ای که پیروان اندیشه سرمایه‌داری گفته‌اند (صدر، ۱۴۱۷: ۶۰۴).

به‌عبارت دیگر در مقابل خطر و ریسک، باید چیزی قرار بگیرد که آن خطر را رفع کند،

مانند رهن، ولی بهره نه تنها این قابلیت را ندارد، بلکه خودش هم در معرض همان ریسک و خطر قرار دارد.

ربا بهای خودداری از انتفاع

یکی دیگر از دلایلی که در توجیه ربا بیان شده، خودداری صاحب سرمایه از مصرف سرمایه‌اش است. مطابق این نظر، بهره، پاداش این خودداری از مصرف و حالت انتظاری است که قرض‌گیرنده تا زمان ادای قرض دارد. در واقع چنانکه مخاطره مجوز اخذ ربا معرفی می‌شود، امساک و خودداری صاحب سرمایه از بهره‌بری و مصرف سرمایه‌اش، به وی اجازه می‌دهد که در برابر این امساک، بهایی تعیین و از مدیون مطالبه کند. با استناد به نظریه درآمد قانونی شهید صدر، این نظر نیز با اشکال روبه‌روست، زیرا مدیون در سررسید معین، قرض خود را بازمی‌گرداند و در این میان، صاحب سرمایه هیچ‌گونه کار اقتصادی انجام نداده است تا منشأ درآمد قانونی باشد (صدر، ۱۴۱۷: ۶۰۵).

در توضیح این نقد می‌توان گفت که امساک از انتفاع نیز مانند خطرپذیری، نه جنبه کالا و سرمایه دارد تا در مقابلش ثمن مطالبه شود و نه کاری است که عینیت خارجی داشته باشد و به شکل مجسم در ماده پدیدار شود، تا حق مالکیت بر آن ماده یا مطالبه اجرت در قبال آن کار مطرح شود، بلکه حالتی روانی است که شخص را به امساک از مصرف می‌کشاند و هرچند شاید در شرایطی ارزش اخلاقی داشته باشد، نمی‌توان ارزش اقتصادی و بهامندی مالی برای آن قرار داد. در نتیجه استدلال مزبور برای توجیه ربا نیز، با توجه به نظریه درآمد قانونی صحیح نیست.

ربا اجاره سرمایه

در نظر برخی، بهره اجاره‌بهای سرمایه‌ای است که قرض‌دهنده برای مدت معینی آن را در اختیار قرض‌گیرنده قرار داده و خود را از منافع آن محروم کرده است. از نظر این گروه، پول، سرمایه بوده و یکی از عوامل تولیدی است و ربا و بهره سرمایه، هزینه اجاره پول و سرمایه به حساب می‌آید.

در راستای پاسخگویی به این ادعا، از مهم‌ترین مباحثی که در زمینه حرمت ربا مطرح

شده و شهید صدر نیز به آن توجه داشته، علت جواز درآمد حاصل از اجاره زمین یا ابزار تولید و در عین حال حرمت درآمد حاصل از قرض دادن سرمایه است. شهید صدر در تبیین تفاوت این دو با یکدیگر، به نظریه اساسی پیش گفته درباره درآمد قانونی استناد می‌کنند. در نظر ایشان درآمد ناشی از اجاره دادن ابزار تولیدی و زمین، در مفهوم ایجابی نظریه مندرج است، زیرا مستأجر با استفاده از ابزار تولیدی یا زمین، در واقع قسمتی از کار ذخیره شده در آنها را مصرف می‌کند، از این رو درآمدی که عاید صاحب آنها می‌شود را، می‌توان اجرت کار گذشته‌ای دانست که ذخیره شده است و توسط مستأجر مستهلک می‌شود. این در حالی است که درآمد ناشی از مالکیت سرمایه نقدی (ربا) این گونه نبوده و به هیچ‌گونه کار اقتصادی مستند نیست. در واقع برخلاف انتفاع از ابزار تولید، که مستلزم استهلاک کار ذخیره شده در آنهاست؛ انتفاع از سرمایه نقدی، به خودی خود موجب استهلاک نقدینه نمی‌شود و پس از پایان مدت قرض، آن مبلغ به صاحبش برمی‌گردد (صدر، ۱۴۱۷: ۵۹۵ و ۶۰۵).

پس تفاوت اجاره بهای زمین و اجاره بهای پول در قرض (ربا)، که اولی جایز و دومی جایز نیست، مربوط به استناد و عدم استناد درآمد حاصل به کار مستقیم یا ذخیره شده است که منشأ ایجاد درآمد قانونی هستند.

ربا تفاوت ارزش فعلی و آتی سرمایه (ارزش زمانی پول)

برخی در توجیه ربا گفته‌اند که ربا، تفاوت میان ارزش فعلی و ارزش آتی سرمایه است. در نظر این گروه، زمان ارزش سرمایه را تغییر می‌دهد، بنابراین هرگاه مبلغی را برای مدت معینی قرض می‌دهیم، اگر در پایان مدت همان مبلغ را بدون اضافه دریافت کنیم، ارزش کمتری از آنچه پرداخت کرده‌ایم، به دست خواهیم آورد. پس برای جبران این کاهش، می‌توان مازادی مطالبه کرد.

نظریه «بوم باورک» که به نظریه صراف‌ی یا مزیت زمان مشهور است، می‌گوید: علت وجود بهره این است که انسان کالاهای فعلی را به کالاهای آینده ترجیح می‌دهد، از این رو محصولات فعلی، در حال حاضر ارزش بیشتری از همین محصول در آینده دارد و کالاهای

موجود، باید در آینده به میزان کافی افزایش یابد تا تفاوت بین ارزش فعلی و آینده را جبران کند. این تفاوت را نرخ طبیعی بهره می‌نامند (رجایی، ۱۳۷۲: ۳). در نظر این گروه، زمان نقش تعیین‌کننده‌ای در تفاوت قیمت کالای حال با قیمت کالای آینده دارد. مطابق این نظر قیمت و ارزش مبادله‌ای یک دینار در زمان حال، بیشتر از یک دینار در آینده است. از این رو اگر کسی مبلغی را در سال جاری به دیگری قرض دهد، سال آینده برای اینکه بتواند همان ارزش مبادله‌ای را به دست آورد، باید مبلغی مازاد دریافت کند تا این کاهش ارزش مبادله‌ای جبران شود (صدر، ۱۴۱۷: ۶۰۵). نکته اساسی این توجیه، ارجحیت یا ارزش زمانی پول است. ذکر این نکته لازم خواهد بود که بحث ارزش زمانی پول که در وجه اخیر مستند موافقان ربا قرار گرفته، با بحث تورم و کاهش قدرت خرید پول متمایز است. مطابق ارزش زمانی پول، پول امروز ارزش بیشتری از پول آینده دارد، هرچند تورم در اقتصاد وجود نداشته باشد. علتش آن است که پول حاضر، استعداد آن را دارد که در مسیر فعالیت‌های سودده قرار گیرد و افزایش پیدا کند. یعنی شخص می‌تواند مثلاً صد واحد پولی که در زمان حاضر در اختیار دارد را، در فعالیتی اقتصادی سرمایه‌گذاری کند و در پایان سال، ده واحد سود به دست آورد؛ ولی صد واحد پولی که سال آینده به دست شخص خواهد رسید و هنوز در دست صاحبش نیامده است، قابلیت ورود در اقتصاد و سودآوری را ندارد. از این رو گفته می‌شود که صد واحد پول حال، ارزش بیشتری از صد واحد پول آینده دارد. به این ارزش، ارزش زمانی پول گفته می‌شود که به تورم ربطی ندارد. این نکته که برخی از آن غفلت کرده‌اند، زمانی اهمیت خود را نشان می‌دهد که بدانیم شهید صدر در کتاب «الاسلام یقود الحیات» جبران کاهش ارزش پول ناشی از تورم را لازم می‌داند و آن را از مصادیق ربا نمی‌داند (صدر، ۱۴۰۰: ۲۰۹).

اما توجیه ربا با استناد به ارزش زمانی پول نیز، با توجه به نظریه درآمد قانونی شهید صدر باطل است؛ زیرا مطابق این توجیه، بهره از جمله درآمدهایی محسوب می‌شود که ناشی از عامل زمان بوده و از کار مستقیم یا ذخیره‌شده به دست نیامده است. یعنی این زمان است که موجب تفاوت قیمت و ارزش مبادله‌ای دو کالا و سرمایه در دو زمان می‌شود و نه

کار. از منظر ایشان این استدلال غلط، از آنجا ناشی می‌شود که در اسلام (برخلاف رژیم سرمایه‌داری) بسیاری از عوامل مؤثر بر ارزش مبادله‌ای و قیمت کالا، مانند زمان، سهمی از محصول تولیدی ندارند؛ بلکه بر اساس نظریه توزیع پس از تولید، مالک محصول، عامل کار بوده و این عامل موظف است که اجرت سایر عوامل تولیدی را بپردازد (صدر، ۱۴۱۷: ۶۰۶).

ب) نظریه درآمد قانونی و نقد راهکارهای تبدیل بهره بانکی به سود حلال

شهید صدر در کتاب البنك اللاربوی در راستای تبیین و بررسی ربای بانکی، به بررسی و نقد برخی راهکارهای احتمالی تبدیل ربای بانکی به سود حلال پرداخته است (صدر، ۱۴۲۶: ۱۶۴). ایشان این راهکارها را مردود دانسته‌اند و خود شیوه‌های عملی مناسب را در ضمن بحث از الگوی بانکداری بدون ربا پیشنهاد می‌دهند. در این بخش به دو راهکار و نقد آن با توجه به نظریه درآمد قانونی اشاره خواهیم کرد.

تبدیل قرض به جعاله

با توجه به اینکه ربا زیاده‌ای است که در برابر مال قرض داده‌شده شرط می‌شود، یکی از راه‌های تبدیل ربا به سود حلال آن است که زیاده‌ای که دریافت می‌شود، در برابر مال قرض داده‌شده نباشد، بلکه در برابر عمل اقراض قرار گیرد. توضیح اینکه در قرض دو عنصر اساسی وجود دارد، یکی مال قرض داده‌شده و دیگری عمل قرض دادن. ربا زیاده‌ای است که در برابر مال قرض داده‌شده شرط می‌شود (خمینی، ۱۳۷۹: ۵۱۰). از این‌رو اگر زیاده را نه در برابر مال قرض داده‌شده، بلکه در برابر نفس اقراض به‌عنوان عملی که از قرض‌دهنده صادر شده است قرار دهیم، در این صورت قرض از ربوی بودن خارج می‌شود و مشکل شرعی پیدا نمی‌کند. برای تحقق این امر، می‌توان از عقد جعاله استفاده کرد؛ به این صورت که قرض‌گیرنده به‌صورت جعاله اعلام کند که اگر کسی به او مبلغی قرض دهد، وی مبلغی را به‌عنوان جُعَل، در برابر عمل اقراض پرداخت خواهد کرد.

اما این راهکار از دو جهت صغروی و کبروی با مشکل مواجه است. از جهت صغروی، ارتکاز عقلایی آن است که زیاده در این حالت، در برابر مال قرض داده‌شده قرار گرفته

است و نه در برابر عمل اقراض؛ از این رو از نظر عرف این گونه جعاله مجرد لفظ محسوب می‌شود و حقیقت و واقعیتی ورای آن وجود ندارد تا متعلق قصدی قرار گیرد که تحقق عقد وابسته به آن است (صدر، ۱۴۲۶: ۱۶۹).

همچنین از جهت کبروی و با فرض قبول اینکه طرفین، جدای از ارتکاز عقلا، این گونه جعاله‌ای را اراده کرده‌اند و جعل در برابر نفس اقراض قرار گرفته باشد، مسئله با توجه به نظریه درآمد قانونی با اشکال روبه‌روست؛ توضیح اینکه جعاله دارای دو جزء است. جزء اول امر خاص یا عام به انجام دادن عمل است که توسط جاعل صورت می‌پذیرد. این جزء ملاک ضمانت غرامت عمل محسوب و اصل ضمانت، به سبب این امر اثبات می‌شود؛ جزء دوم تعیین جعل و مبلغ معینی در برابر انجام دادن آن عمل است. این جزء محدودکننده مقدار ضمانت خواهد بود. با این بیان روشن است که استحقاق جعل قرار داده شده در جعاله، به سبب ضمانت عملی بوده که جاعل به آن امر کرده است. در حقیقت جعل قیمت عملی خواهد بود که به درخواست جاعل، توسط عامل انجام می‌گیرد و جاعل ضامن آن است. این ضمانت هم چنانکه ضمانت در اموال وجود دارد، در واقع ضمانت در اعمال است و چون اصل ضمانت در جعاله، به سبب امر به عمل خواهد بود، در نتیجه در جعاله، عملی را می‌توان متعلق امر کرد که آن عمل فی‌نفسه ارزشی دارد و برای آن اجره‌المثلثی موجود باشد، مانند امر به خیاطت، آرایش و امثال آن.

بر این اساس جعاله بر عمل اقراض صحیح نیست، زیرا عمل اقراض از نظر عقلا دارای مالیت نیست و ارزشی زائد بر مال قرض داده شده ندارد. با فرض اینکه مالیت مال قرض داده شده با عقد قرض ضمانت می‌شود، دیگر عقلایی نیست که برای نفس عمل اقراض، ضمانت دیگری تصور شود (صدر، ۱۴۲۶: ۱۷۰). در واقع شهید صدر در این نقد، به نظریه درآمد قانونی خود پایبند بوده‌اند و چون عمل اقراض را از منظر عقلا کاری اقتصادی و دارای ارزشی زائد بر مال قرض داده شده نمی‌داند، آن را مجوز کسب درآمد ندانسته است.

تبدیل قرض به بیع

یکی دیگر از راهکارهای احتمالی تبدیل ربا به سود حلال، بیع پول است که شهید صدر آن

را نیز مردود می‌داند. توضیح آنکه مطابق فتوای مشهور امامیه در معدودات ربا نیست (حلی، ۱۴۱۴، ج ۱۰: ۹۲) و پول در صورتی که طلا و نقره نباشد (مانند اسکناس‌های فعلی) چون مکیل و موزون نیست و معدود به حساب می‌آید، ربای معاملی در آن حرام نیست و می‌توان مبلغ کمتری از آن را، با مبلغ بیشتری از آن معامله کرد.

پس بانک می‌تواند به جای آنکه مبلغی، قرض ربوی دهد، همان مبلغ را به قیمت بالاتر به صورت نسیه بفروشد. در این صورت بانک با بیع به همان هدفی می‌رسد که از طریق قرض ربوی خواستار آن بود. همچنین بانک برای جلوگیری از تأخیر مشتری در پرداخت مبلغ مورد توافق، در ضمن عقد بیع با او شرط می‌کند که در هر ماهی که پرداخت او به تأخیر می‌افتد، مبلغی زائد را به بانک بپردازد، این شرط از آن جنبه که نه در عقد قرض قرار گرفته و نه در برابر اجل، بلکه به حکم بیع و در ضمن آن است، اشکال شرعی ندارد.

شهید صدر این گونه بیع را جایز نمی‌داند، زیرا ارتکاز عرفی بر این است که این عمل قرضی ربوی است و در واقع مراد جدی متعاملین در بیع پول، چیزی جز قرض نیست و انشای بیع در این حالت، از باب تغییر لفظ قرض و اراده معنای آن است که در تغییر ماهیت قرض تأثیری ندارد. اشکال دوم اینکه با فرض امکان اراده جدی بر بیع، در نظر عرف دایره قرض تا آنجا توسعه دارد که امثال این نوع از معاملات را که هر چند بر اساس عقد بیع محقق شده باشد، داخل در قرض می‌دانند و احکام قرض را (که یکی از آنها عدم زیاده است) در آن جاری می‌دانند؛ زیرا بر اساس ارتکاز عرفی و عقلایی، قرض تبدیل مال مثلی خارجی به مثل آن در ذمه بوده و در بیع نسیه پول، این معنا موجود است (صدر، ۱۴۲۶: ۱۷۶).

این مطلب را بر اساس نظریه درآمد قانونی، می‌توان این گونه توضیح داد که درآمد حاصل از بیع نسیه پول، درآمد حاصل از غیرکار بوده و حکم ربا که حرمت است، بر آن بار می‌شود. در حقیقت تغییر صوری عقد قرض به بیع، موجب آن نمی‌شود که درآمد حاصل جایز شود، زیرا با این تغییر صوری، کاری در مقام واقع محقق نشده است تا بتواند منشأ درآمد باشد. این بیان از آن جنبه اهمیت دارد که بدانیم صرف تغییر صورت عقود،

مادامی‌که به تغییر ماهوی عقود منجر نشود و منشأ کار اقتصادی نباشد، برای بانک یا غیر آن درآمدزا نیست.

ج) نظریه درآمد قانونی و الگوی بانک بدون ربا

در الگوی پیشنهادی شهید صدر، برخلاف روش مرسوم که در آن مباحث تجهیز منابع (سپرده‌گذاری)، مستقل از مباحث تخصیص منابع (اعطای تسهیلات) بررسی می‌شود، این دو بحث در کنار هم مطرح شده‌اند. علت آن است که شهید صدر تجهیز و تخصیص منابع بانکی را دو جزء از یک فرایند واحد می‌داند. در نظر ایشان تجهیز و تخصیص منابع در ضمن رابطه مضاربه میان سپرده‌گذاران و سرمایه‌گذاران و با وساطت بانک، مکمل یکدیگر هستند (صدر، ۱۴۰۱: ۲۵) که به نظر می‌رسد این شیوه نیز، ناشی از تأثیرپذیری از نظریه درآمد قانونی است که توضیح آن خواهد آمد.

پس از ذکر این نکته، به بیان جزئیاتی از الگوی ایشان با تکیه بر نظریه درآمد قانونی در هر دو بخش تجهیز و تخصیص منابع می‌پردازیم.

حذف ربا از بخش سپرده‌ها

از مهم‌ترین فعالیت‌های بانکی تجهیز منابع است. بانک‌ها برای این کار به پذیرش سپرده‌های مردم اقدام می‌کنند. سپرده‌های بانکی در یک تقسیم‌بندی کلی به سه گونه تقسیم می‌شوند: سپرده‌های جاری، سپرده‌های پس‌انداز و سپرده‌های مدت‌دار. ویژگی مشترک این سپرده‌ها که در تعیین ماهیت آنها مؤثر بوده، دو چیز است: اول اینکه این وجوه در اختیار بانک قرار می‌گیرد و بانک هرگونه دخل و تصرفی که لازم بداند، در آن انجام می‌دهد؛ دوم اینکه بانک بازپرداخت آن را تضمین می‌کند، از این رو اگر به هر دلیلی پول از بین برود، بانک متعهد به بازپرداخت آن است؛ هرچند در حفظ آن کوتاهی نکرده باشد (موسویان، ۱۳۸۶، ۱۵). با توجه به این دو ویژگی و مقایسه آنها با تعریف قرض، می‌توان به قرض بودن این سپرده‌ها پی‌برد. مطابق تعریف فقها، قرض عبارت است از مالک قرار دادن دیگری به شرط ضمانت مثل یا قیمت آن (خمینی، ۱۳۷۹: ۵۰۸). شهید آیت‌الله صدر نیز بر قرض بودن سپرده‌ها تصریح کرده است (صدر، ۱۴۰۱: ۸۴). بعد از این مقدمه، به تفکیک به بررسی انواع سپرده‌ها می‌پردازیم.

در سپرده‌های جاری، سپرده‌گذار با افتتاح حساب جاری در بانک، مبلغی را به بانک قرض می‌دهد و در هر زمانی که خواست، با مراجعه به بانک می‌تواند از حساب خود برداشت و قرض خود را استیفا کند. چون به این سپرده‌ها غالباً بهره‌ای تعلق نمی‌گیرد، پس در این گونه فعالیت بانکی، ربا وجود ندارد. شایان ذکر است که گرفتن کارمزد در برابر خدماتی که بانک انجام می‌دهد، مانعی ندارد.

در سپرده‌های پس‌انداز و ثابت، برداشت از حساب پس‌انداز یا همان استیفای قرض در هر زمانی برای صاحب سپرده‌های پس‌انداز ممکن است، ولی در سپرده ثابت، این امر بعد از گذشت زمان معینی (که به توافق طرفین رسیده) ممکن است. بانک‌های ربوی به این گونه از سپرده‌ها بهره برداخت می‌کنند که موجب ربوی شدن آن می‌شود (صدر، ۱۴۲۶: ۸۴). در طرح پیشنهادی شهید صدر بیان شده است که این عملیات ربوی، نباید به وسیله بانک بدون ربا نباید صورت پذیرد.

در خصوص سپرده‌های مدت‌دار که بانک در این گونه سپرده‌گذاری علاوه بر تضمین بازپرداخت اصل سپرده‌ها، متعهد به پرداخت بهره‌ای به سپرده‌گذاران نیز می‌شود، شهید صدر پیشنهاد می‌کند که این فرایند در ضمن عقد مضاربه تعریف شود. در این پیشنهاد سپرده‌گذاران سپرده‌های خود را در بانک بدون ربا پس‌انداز می‌کنند تا شرایط مناسب برای استفاده از آنها بر اساس مضاربه و با وساطت بانک مهیا شود. در این رابطه، سپرده‌گذاران به عنوان مضارب و سرمایه‌گذاران (مشتریان بانک) به عنوان عامل مضاربه، طرفین اصلی مضاربه را تشکیل می‌دهند. در این رابطه بانک به عنوان وکیل سپرده‌گذاران، وظیفه انعقاد قرارداد مضاربه با عامل و سایر امور مربوط به ثبت و ضبط این عقد را بر عهده می‌گیرد. بانک در برابر ارائه این خدمات، شاید از هریک از سپرده‌گذار و مشتری، کارمزدی درخواست کند. از آنجا که بانک در این مضاربه نقش میانجی و وکیل مالک در اجرا و نظارت بر آن را دارد، می‌تواند با توافق طرفین سهمی از سود را به عنوان اجرت برای خود در نظر بگیرد. سهمی که بانک از سود، مستحق دریافت آن می‌شود، در قالب جعاله توجیه‌شدنی بوده و آن کارمزدی است که سپرده‌گذار به بانک اختصاص می‌دهد تا قرارداد مضاربه را انجام دهد و بر آن نظارت کند (صدر ۱۴۲۶: ۲۰۵).

با توضیحات فوق انطباق کامل نظریات ایشان در بحث حذف ربا از سپرده‌ها، با نظریه درآمد قانونی نمایان است. ایشان دریافت کارمزد برای افتتاح حساب را، در انواع سپرده‌ها با توجه به خدماتی که بانک در این زمینه انجام می‌دهد، جایز دانسته است، چنانکه دریافت اجرت در برابر انعقاد قرارداد مضاربه با عامل و سایر امور مربوط به ثبت و ضبط این عقد را در سپرده‌های مدت‌دار (که بانک واسطه طرفین است) جایز می‌داند؛ یعنی بانک بر اساس کاری که انجام داده است، کسب درآمد می‌کند که مطابق با جهت ایجابی نظریه است. همچنین سودی که بانک به سپرده‌های پس‌انداز می‌پردازد، ربوی است؛ زیرا سپرده‌گذاران صرفاً پول را در بانک به‌عنوان قرض قرار داده‌اند و کاری انجام نداده‌اند تا مستحق دریافت سود باشند، لذا مطابق جهت سلبی قاعده، این سود رباست.

حذف ربا از بخش تسهیلات

وام

یکی از مهم‌ترین فعالیت‌های بانکی که ربا در آن وجود دارد، وام‌دهی بانک است. در این نوع فعالیت که به آن اعتبارات میان‌مدت و بلندمدت نیز گفته می‌شود، بانک مبلغ معینی را در اختیار مشتری می‌گذارد تا وی بعد از مدت مشخصی، به‌صورت دفعی یا اقساطی، اصل پول و بهره آن را به بانک برگرداند. مطابق قانون‌های بانکی، ویژگی‌های زیر برای وام بانکی مطرح است:

۱. بانک با اعطای وام وجوه مورد نظر را به ملکیت متقاضی درمی‌آورد و او اختیار هر نوع تصرفی را در آن خواهد داشت؛
۲. گیرنده وام متعهد می‌شود که طی مدت زمان معین، اصل وام و بهره آن را به بانک بازگرداند. با توجه به ویژگی‌های فوق، تمام ارکان عقد قرض در وام بانکی موجود است و چون شرط زیاده (بهره) در آن می‌شود، قرض ربوی است (موسویان، ۱۳۸۶: ۵۹). البته اگر بانک‌ها به‌هنگام وام‌دهی به مشتریان شرط کنند که اجرت تمام کارهایی که بانک برای ثبت قرض و مقدمات مورد نیاز آن انجام می‌دهد و تمام هزینه‌های مرتبط با وام‌دهی را دریافت می‌کنند، قانونی و شرعی است (صدر، ۱۴۲۶: ۱۵۳) چون مطابق جهت ایجابی نظریه محسوب می‌شود و درآمد در برابر کار انجام‌گرفته است، ولی تقاضای سودی مازاد بر کارمزد، ربا خواهد بود و مطابق جهت سلبی قاعده جایز نیست.

تنزیل

تنزیل، نقد کردن طلب مدت‌دار در معاملات تجاری است، برای این کار دارندگان اسناد مذکور، آنها را به بانک می‌برند و تقاضای تنزیل بانکی می‌کنند. بانک‌ها با قبول اسناد و بعد از محاسبه و کسر بهره متعلق به مدت زمان باقیمانده تا سررسید، وجه آنها را پرداخت خواهند کرد.

شهید صدر دو راهکار فقهی مورد قبول برای تنزیل بیان کرده‌اند. در راهکار اول ایشان سه عنصر اساسی را در تنزیل دخیل می‌داند: قرض، تعهد و حواله. عنصر اول قرض است که به حکم قرض شخص متقاضی تنزیل مالک مبلغ تنزیل شده سفته می‌شود، این مبلغ تنزیل شده در واقع قرضی است که بانک به وی می‌پردازد؛ عنصر دوم حواله است که مطابق آن متقاضی تنزیل بانک را به صادرکننده سفته حواله می‌دهد و از این‌رو بانک بستانکار و صادرکننده سفته، بدهکار بانک می‌شود؛ عنصر سوم تعهد است که بر اساس آن، متقاضی تنزیل متعهد به پرداخت سفته توسط صادرکننده سفته می‌شود و از این‌رو در صورت خودداری صادرکننده سفته از پرداخت مبلغ سفته در زمان سررسید، بانک می‌تواند به متقاضی تنزیل مراجعه و مبلغ را از او مطالبه کند. در بانکداری ربوی، بانک در صورت تأخیر صادرکننده سفته از پرداخت به موقع مبلغ آن، تقاضای بهره می‌کند. از منظر شهید صدر مبلغی که بانک از مبلغ سفته کسر می‌کند، بهره‌ای است که بانک در برابر قرضی که به متقاضی تنزیل داده است، از او می‌گیرد و از این‌رو ربا و حرام است. اما بانک می‌تواند در برابر خدماتی کارمزد دریافت و این مبلغ را هنگام تنزیل و تحقق قرض، از مبلغ سفته کسر کند. کسر مبلغی بیشتر از آنچه گفته شد، صحیح نیست و ربا به حساب می‌آید و باید حذف شود (صدر، ۱۴۲۶: ۱۵۵ - ۱۵۳).

در راهکار دوم نیز تنزیل، شکل گرفته از سه عنصر محسوب می‌شود: عنصر اول قرض است که بر اساس آن مبلغی که متقاضی تنزیل از بانک می‌گیرد، قرضی بوده که توسط بانک به او پرداخت شده است؛ عنصر دوم توکیل است که بر اساس آن متقاضی تنزیل، به بانک وکالت می‌دهد که در زمان سررسید سفته، مبلغ آن را از امضاکننده آن وصول و طلب

خود را از مبلغ سفته وصولی کسر کند. بانک می‌تواند برای ثبت بدهی و هزینه‌های وصول آن، کارمزد دریافت کند. مطابق این تفسیر از تنزیل، متقاضی تنزیل، پس از تنزیل نیز همچنان نسبت به صادرکننده سفته بستانکار است، ولی بانک را وکیل خود در استیفای قرض می‌کند (صدر، ۱۴۲۶: ۱۵۷).

شهید صدر در این دو راهکار تنزیل نیز تنها درآمد و کارمزدی را برای بانک جایز می‌داند که در برابرش خدمات و کارهایی همچون ثبت و ضبط اطلاعات و اسناد قرض انجام گرفته باشد.

اعتبار در حساب جاری و اعتبار پذیرشی

گشایش اعتبار در حساب جاری در واقع، وعده قرض در آینده است که بر اساس آن، بانک این امکان را برای مشتری مهیا می‌کند که در بازه زمانی مشخصی، هر زمان که نیاز پیدا کند، حق برداشت از حساب خود را داشته باشد. در تحلیل فقهی اعتبار در حساب جاری، می‌توان گفت: بانک با تعیین حد اعتبار در حساب جاری و اعلان آن به صاحب حساب، اعلان آمادگی برای پرداخت قرض می‌کند، زمانی که صاحب حساب می‌خواهد از اعتبار مذکور استفاده کند، درخواست قرض می‌کند و بانک با پرداخت وجه درخواستی، در واقع به صاحب حساب قرض می‌پردازد و هنگام بازپرداخت، از او بهره می‌گیرد (موسویان، ۱۳۸۶: ۱۹). بانک‌های ربوی در برابر این‌گونه اعطای تسهیلات، بهره‌هایی درخواست می‌کنند که ربوی و حرام است. بانک بدون ربا، این بهره را حذف می‌کند (صدر، ۱۴۲۶: ۱۵۴).

نقش بانک در اعتبار پذیرشی در واقع تعهد به پرداخت بدهی مشتری است که فروشنده در ازای صدور کالا، مستحق دریافت آن خواهد شد (موسویان، ۱۳۸۶: ۲۰). اگر بانک این بدهی را از مانده حساب مشتری در نزد خود ادا کند، می‌تواند در برابر این خدمت کارمزد بگیرد، ولی اگر بانک این بدهی را از سرمایه و دارایی خود ادا کند، مشتری که همان واردکننده کالا است به همان میزان بدهکار بانک خواهد شد. مبلغ پرداخت‌شده به وسیله بانک، در واقع قرضی بوده که بانک به او پرداخته است. در این صورت نیز بانک

علاوه بر کارمزد، مبلغی مازاد بر اصل قرض از مشتری می‌گیرد، که میزان آن به مدت زمان پرداخت به وسیله بانک و بازپرداخت آن توسط مشتری بستگی دارد (صدر، ۱۴۲۶: ۱۳۳). از این رو درآمدی که بانک به دست می‌آورد، دو گونه است: اول کارمزدی است که در برابر گشایش اعتبار پذیرشی و تماس با فروشنده و امور مربوط به آن، از مشتری می‌گیرد. دریافت این کارمزدها در راستای جهت ایجابی قاعده، مشکلی ندارد و جایز است؛ دوم درآمدی است که بانک به عنوان بهره دریافت می‌کند، این مبلغ، بهره ربوی بوده و حرام است و بانک بدون ربا، نباید این زیادی را از مشتری دریافت کند.

نتیجه‌گیری

مطابق دیدگاه شهید صدر، نظریه درآمد قانونی به عنوان یکی از مبانی نظری نظام اقتصادی اسلام، در پی ریزی و تشریح احکام اقتصادی اسلام، مورد توجه شارع بوده، به گونه‌ای که حرمت ربا به عنوان یکی از کلیدی‌ترین آموزه‌های اقتصادی اسلام، مستند به این نظریه است. از این رو باید در تحلیل و بررسی مسائل مرتبط با ربا، به ویژه در ارائه راهکارهای عملی برای تحقق بانک بدون ربا، به این نظریه توجه داشت؛ زیرا مطابق آن، ایجاد هرگونه درآمد و سودی در بانک به عناوین مختلف و در ضمن عقود گوناگون، مادامی که مستند به کار نباشد، غیرقانونی و غیرشرعی است. در نتیجه جانشین کردن عقد قرض در بانک با بیع، مضاربه، جعاله و امثال آن، مادامی که به انجام دادن کار ارزشمند اقتصادی نینجامد، مجوز ایجاد درآمد و دریافت یا پرداخت سود نخواهد شد و درآمد و سود حاصل، یا به عنوان ربا یا درآمد غیرمستند به کار، غیرقانونی و غیرشرعی خواهد بود. به عبارت دیگر تغییرات صوری در راستای توجیه ربای موجود در معاملات بانکی، بدون توجه به نظریه درآمد قانونی مردود بوده و هر چند ممکن است درآمد حاصل را از ربوی بودن خارج کند، چون مستند به کار نیست، غیرقانونی و غیرشرعی است.

کتابنامه

۱. ابن البراج (۱۴۰۶ ق). *المهذب*، قم: جامعه مدرسین.
۲. بخش فرهنگی جامعه مدرسین (۱۳۷۵). *پول و نظام‌های پولی*، قم: جامعه مدرسین.
۳. _____ (۱۳۸۱). *ریا*، قم: جامعه مدرسین.
۴. توتونچیان، ایرج (۱۳۷۵). *اقتصاد پول و بانکداری*، تهران: تحقیقات پولی و بانکی.
۵. جواهری، محمد تقی (۱۴۰۵ ق). *الریا فقهیا و اقتصادیا*، تهران: خیام.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ق). *وسائل الشیعه*، قم: آل‌البتیت.
۷. حسینی عاملی، محمد (۱۴۱۰ ق). *مفتاح الکرامه*، قم: آل‌البتیت.
۸. حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴ ق)، *تذکره الفقهاء*، قم: آل‌البتیت.
۹. خمینی، روح‌الله (۱۴۱۵ ق). *البیع*، قم: جامعه مدرسین.
۱۰. _____ (۱۳۷۹). *تحریر الوسیله*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار.
۱۱. دادگر، یدالله (۱۳۸۰). *مبانی فقهی پیشرفته اقتصاد اسلامی*، کرمانشاه: رازی.
۱۲. داوودی، پرویز و دیگران (۱۳۸۹). *پول در اقتصاد اسلامی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۳. رجایی، محمد کاظم (۱۳۷۲). *فصلنامه معرفت*، شماره ۵، قم.
۱۴. صدر، محمد باقر (۱۴۲۶ ق). *البنک اللاربوی*، بیروت: مرکز الابحاث.
۱۵. _____ (۱۴۰۰ ق). *الفتاوی الواضحه*، بیروت: مرکز الابحاث.
۱۶. _____ (۱۴۱۷ ق). *اقتصادنا*، بیروت: مرکز الابحاث.
۱۷. _____ (۱۴۰۰ ق). *الاسلام یقود الحیاه*، بیروت: مرکز الابحاث.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط*، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۱۹. عاملی، زین‌الدین بن علی، شهید ثانی (۱۴۱۰ ق). *الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه*، قم: داوری.

۲۰. کرکی، علی بن الحسین (۱۴۱۴ ق). *جامع المقاصد*، بیروت: آل البيت.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق). *الکافی*، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). *یادداشت‌های استاد مطهری*، تهران: صدرا.
۲۳. _____ (۱۳۸۰). *ربا، بانک و بیمه*، تهران: صدرا.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶). *ربا و بانکداری اسلامی*، قم: امیرالمؤمنین.
۲۵. موسویان، سید عباس (۱۳۸۶). *بانکداری اسلامی*، تهران: پژوهشکده پولی و بانکی.
۲۶. نجفی، محمد حسن (۱۹۸۱). *جواهر الکلام*، بیروت: دارالاحیاء.
۲۷. هدایتی (بی تا). *عملیات بانکی داخلی*، تهران: مؤسسه عالی بانکداری ایران.

